

حقوق زندانیان سیاسی از دیدگاه امام خمینی

□ اصغر زارع

امام خمینی (س) مؤسس نظام جمهوری اسلامی و مؤلف حقیقی قانون اساسی کشور است. اندیشه‌ها و آراء ایشان به مثابه یک نص حقیقی و به قول حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسن خمینی به عنوان "یک متن مقدس" باید مبنای کلیه اعمال و کنش‌های بخش‌های مختلف حاکمیت از رهبری نظام تا قوای سه گانه قرار گیرد. توقف هرگونه رفتار و عملکرد متعارض با این متن مقدس در هر مرحله از پیشرفت، یک اصل شرعی، قانونی، عرفی و انقلابی است. عدم رعایت این اصل می‌تواند نشانگر وجود اراده‌ای در تقابل با "بنیانگذار" باشد. اراده‌ای که اگر خدای ناکرده وجود داشته باشد، منجر به آن خواهد شد که "نه از تاک نشان می‌ماند و نه از تاکشان".

بر حقوق شهروندی شهروندان نظام جمهوری اسلامی بیش و پیش از آنکه در قانون اساسی، دیگر قوانین مدنی و جزایی و همچنین در بیان مفسرین این قوانین تبیین شود، در اندیشه امام خمینی به صراحت تاکید شده است.

از میان حقوق متنوع حقوق شهروندی، حقوق زندانیان، بویژه زندانیان سیاسی و نحوه رفتار با آنان جزو مواردی است که رهبر کبیر انقلاب بارها و بارها در مناسبت‌ها و دیدارهای مختلف مسؤولان امر را به رعایت حقوق انسانی آنان سفارش کرده‌اند.

امام خمینی ماده ششم پیام چهارده ماده‌ای خود را در ۹ اسفند ۱۳۵۷ خطاب به ملت ایران در



خصوص شرایط زمان کشور به حقوق زندانیان اختصاص می‌دهد و می‌فرماید:

«به تمام اعضای کمیته‌ها و زندانبانها حکم می‌کنم که با زندانیان - هر که باشد - به طور انسانی و اسلامی رفتار کنند و از آزار و مضیقه و رفتار خشن و گفتار ناهنجار خودداری کنند که در اسلام و حکومت عدل اسلامی این امور ممنوع و محکوم است و به بستگان زندانیان در روز معینی با مقررات، اجازه ملاقات دهند.» (صحیفه امام، ج ۶، ص: ۲۶۳)

این سفارش اکید امام نه یک توصیه عرفی و معمولی که حکم فقیهانه و حکومتی یک رهبر و مرجع بزرگ تقلید است. ایشان نه از واژه‌های "توصیه"، "سفارش"، "سعی کنید" و ... که از واژه سنگین و پرمعنای "حکم می‌کنم" استفاده می‌کند و با قید این جمله که - زندانیان هر که باشند -، امر می‌کند که با آنان بطور انسانی و اسلامی رفتار کنند و از آزار آنان پرهیز کنند.

رهبر کبیر انقلاب در این حکم تاریخی با بیان اینکه "از گفتار ناهنجار خودداری شود"، مصادیق "آزار و مضیقه" را مشخص می‌کند. در اندیشه قضایی امام حتی گفتار ناهنجار هم با زندانیان از دیدگاه اسلام ممنوع و بالاتر از آن محکوم است. تعیین روز معین برای دیدار بستگان زندانی یک اصل مترقی حقوق بشری است و مؤسس نظام جمهوری اسلامی در بیانیه مهم خود در نخستین ماهها بلکه روزهای انقلاب در کنار تبیین همه امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام به آن حکم می‌کند.

امام خمینی (س) در جای دیگری به رفتار اسلامی با زندانیان حتی با قاتلان با قید واژه "باید" حکم می‌کند. ایشان با تاکید بر اینکه جمهوری، جمهوری اسلامی است، برخورد با زندانی را تنها محدود به اجرای مجازات تعیین شده توسط دادگاه می‌کند و حکم می‌کند که از تعدی زیادتر از جزای مورد نظر پرهیز شود:

«علی‌ایّ حال، رفتارها، رفتارهای اسلامی باشد. جمهوری، جمهوری اسلامی است، رفتارها حتی با کسانی که قاتل شناخته شدند، رفتار اسلامی باشد و لو اینکه با شدت عمل و شدت دید آنها را به جزای خودشان برسانند، اما فقط همان رساندن به جزا باشد و تعدی زیادتر نشود.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۱۵۰)

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در سخنرانی دیگری در جمع مسئولان دادگاههای انقلاب در

خصوص اهمیت قضاوت در اسلام می فرماید:

«در هر صورت، زندان اسلامی باید روی همان موازین اسلامی باشد. همانی که وقتی که به شخص اول اسلام، حضرت امیر، ضربت می‌زند، بعد که می‌بردندش، سفارش می‌کند که این را از همان غذایی که خودتان می‌خورید بدهید و همان‌طور چه بکنید.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۲۷۳)

در این سخنرانی هم امام عظیم‌الشان رفتار با زندانی را به موازین اسلامی معطوف می‌کند و توصیه حضرت امیرالمومنین (ع)، امام ضربت‌خورده شیعیان را یادآوری می‌کند که با اسیر مدارا کنند تا جایی که از همان غذایی که خود می‌خورند به او بدهند نه همانند بسیاری از زندانبانان حکومت‌های ظالم تاریخ که کثیف‌ترین و بدترین غذای ممکن را تنها برای جلوگیری از مرگ زندانیان با توهین‌های فراوان به آنها می‌دادند.

امام خمینی در جایگاه ولی‌فقیه خطاب به زندانبانان و رؤسای زندان‌ها در سخنرانی ۸ تیر ۱۳۶۰ توصیه می‌کند که آرامش خودتان را حتی در برابر زندانیان وابسته به گروه‌های جنایتکار و فاسد از دست ندهند و با آنان به روشهای خشونت‌آمیز و غیراسلامی رفتار نکنند.

«من یک کلمه به برادران دادگاه و کسانی که رئیس زندان هستند و اشخاصی که زندانبان هستند، می‌گویم و آن اینکه این‌طور نباشد که یک جنایتی وقتی واقع شد، اینها آرامش خودشان را از دست بدهند و - خدای نخواست - با زندانیانی که الآن هستند - ولو این زندانیان از همین گروه‌های فاسد باشند - با خشونت غیر اسلامی عمل کنند.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۵۲۸)

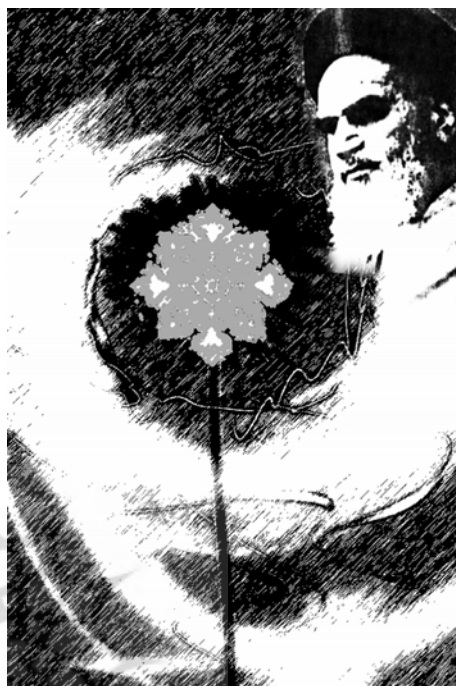
امام خمینی (س) در ادامه این سخنرانی نحوه رفتار را با زندانیان تشریح می‌کند و می‌گوید: "با آرامش و با احترام عمل کنند." دو واژه "آرامش" و "احترام" بار معنایی ویژه‌ای دارد. اینکه زندانبان باید با احترام با زندانی خود رفتار کند، بسیار قابل تأمل است. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۵۲۸)

رهبر کبیر انقلاب در ادامه همین سخنرانی به دادرسی و برخورد قضایی و بررسی حقوقی با متهمین اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«دادگاهها احکام را با دقت بررسی کنند و پرونده‌ها را بررسی کنند و آنها را بر محکمه‌ها بنشانند و از آنها استفسار کنند و با قاطعیت، هرچه باید بکنند، عمل کنند.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۵۲۸)

اما ایشان بلافاصله رفتار درست و مطابق با موازین را با زندانیان حتی زندانیان محارب تأکید می‌کند و می‌گوید:





□ «به تمام اعضای کمیته‌ها و زندانبانها حکم می‌کنم که با زندانیان - هر که باشد - به طور انسانی و اسلامی رفتار کنند و از آزار و مزیقه و رفتار خشن و گفتار ناهنجار خودداری کنند که در اسلام و حکومت عدل اسلامی این امور ممنوع و محکوم است و به بستگان زندانیان در روز معینی با مقررات، اجازه ملاقات دهند.»

«لکن این‌طور نباشد که حالا از باب اینکه یک دسته‌ای از ما به وسیله همین گروهها از بین رفته، حالا ما در حبس با اشخاصی که محبوس هستند - خدای نخواستہ - به خلاف موازین اسلام عمل کنیم.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۵۲۸)

امام خمینی (س) در جای دیگری در ۱۸ بهمن ۱۳۶۱ در جمع مسؤولان و قضات دادگاههای انقلاب در شرح وظایف این دادگاهها از رفتار با زندانیها با عنوان معاشره یاد می‌کند و آن را یک معاشره اسلامی و انسانی می‌خواند و می‌گوید:

«معاشره، معامله با آنها مادامی که در زندان هستند، معامله انسانی - اسلامی باید باشد. و هر وقت هم معلوم شد که این شخص باید فلان حد را بخورد، فلان حد را بخورد. باید هم بماند تو حبس تا برود.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۲۸۶)

در سوم آبان ۱۳۵۷ سه ماه قبل از پیروزی انقلاب امام خمینی در جمع دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج از کشور در پاریس به نکته مهم دیگری در خصوص زندانیان سیاسی اشاره می‌کند و آن اعتراض به آزادی زندانیان سیاسی بدون توجه به زجر و تزییع عمر آنان است. ایشان می‌گویند:

«امروز اطلاع دادند که زندانیهای سیاسی را یک مقداری آزاد کردند و مقداری هم بناست آزاد شود. آیا ببینیم که این آزاد کردن جبران می‌کند این مسائل را؟ یک نفر انسان را ده سال، پنج سال، کمتر، بیشتر، از همه جهات ساقط کنند، همه آزادیها را از او بگیرند، در حبس همه شکنجه‌ها و زجرها را به او بدهند، بعدش بگویند که شما آزادی! خوب این پنج سال تزییع عمر یک مسلمان، یک انسان، پنج سال، ده سال زجر دادن به یک انسان، به یک مُسَلَّم، اینها هیچ؟ حالا آزاد، تمام شد قضیه؟» (صحیفه امام، ج ۴، ص: ۱۴۸)

نکته‌ای که در این سخنرانی حائز اهمیت است توجه به حقوق زندانیانی است که به جرم ناکرده و تنها به خاطر مخالفت با رژیم پهلوی به زندان افتاده بودند و متحمل شکنجه‌ها و گذران روزهای تلخ در زندان شده بودند.

این سخن امام اگر چه در خصوص رژیم ساقط پهلوی است اما قابل تعمیم به تمام رژیمها و زندانیان سیاسی است که در شرایطی ناعادلانه گرفتار می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

موزه انقلاب

۲۹ سال پیش، شامگاه ۲۷ خرداد ۱۳۵۹ اهالی مذهبی جماران، دیوارهای کاهگلی محله خاکی خود را چراغانی کردند تا ورود بی سر و صدای خمینی کبیر را خیرمقدم بگویند. برای آنان که تا پیش از این، دیدار مرجع در تبعیدشان، در سطح یک رویا بود، همسایگی با او شاید شوکه کننده و هیجان آمیز بوده است.

پیرمرد ۷۷ ساله ساعت ۱۰ شب از ماشین پیاده می شود. روستائیان جماران مشتاق دیدار هستند. نزدیکان امام دیدار مردم را برای روز دیگری موکول کرده اند. آنها معتقدند امام خسته است و شرایط دیدار فراهم نیست. اما روح الله بازمی گردد و بر بلندای حسینیه نیمه کاره جماران می ایستد و با مردم سخن می گوید:

«امشب بسیار مسرور هستم که با برادران و خواهران خودم در اینجا مواجهم. من از زحمت اهالی این محل جماران تشکر می کنم که زحمت زیادی کشیدند، در صورتی که من خدمتی به آنها نکردم.»

بعد از این سخنرانی کوتاه شبانه، حسینیه کوچک و خاکی جماران به تریبون بزرگ انقلاب اسلامی ایران بدل شد، همان تریبونی که ۱۰ سال تمام، جهان در بحرانی ترین شرایط جنگ سرد، از رصد سخنرانی های تنها سخنران آن غافل نمی شد. خمینی از همین حسینیه ماندگار، طولانی ترین جنگ قرون اخیر را هدایت کرد و آنجا را محل عشقبازیهای شهدا و شاهدانی کرد که «در قهقهه مستانه شان عند ربهم یرزقون بودند.»

رهبر انقلاب بزرگ قرن، پای بر خانه ای نهاد که تا پیش از این خانه روحانی بلند آوازه

جماران، آیت‌الله سیدحسن جمارانی و محل آمد و شد روحانیان مبارزی چون آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله خامنه‌ای، حجت‌الاسلام کروی، حجت‌الاسلام ناطق نوری و حاج سیداحمد خمینی و ... بود. گویا بسیاری از جلسات روحانیون انقلابی در همین خانه برگزار می‌شد و به گفته حاج اکبر، یکی از اهالی، آیت‌الله خامنه‌ای نیز قبل از انقلاب به مدت ۶ ماه دور از دیدگان ساواک در همین خانه زندگی می‌کرده است.

امام سرانجام، بعد از ۹ سال زیست عارفانه در این محل کوچک پای بر بستر آرامش ابدی نهاد و جهان را خیره جماران کرد. محله‌های جماران شیون و مستی عاشقانی را در یاد دارد که هنوز ۲۰ سال بعد از آن عروج عارفانه، سربالایی‌های باهنر و یاسر را طی می‌کنند تا به سرّی عمیق دست یازند و خاطر خمینی خود را پاس دارند.

۲۹ سال بعد از آن ورود و ۲۰ سال بعد از آن عروج، پای سخن مردم ساده دل جماران که می‌نشینی، یاد دوران تازه می‌شود. از خمینی که می‌گویند چشمه‌ایشان می‌درخشد. آنان عشق را با انقلاب و خمینی و زیسته‌اند.

پیرمردها صف کشیده‌اند در سایه‌ای کوتاه دور از آفتاب. جلو می‌روم و از آنها سخن گفتن می‌خواهم، استنکاف می‌ورزند و به سؤال پاسخ نمی‌گویند. اصرار می‌کنم یکی سر برمی‌گرداند و می‌گوید: «آقا تک بود، هیچکس به پای آقا نمی‌رسد» با سخن او دیگران هم به سخن می‌آیند: «مردم منتظر ورود آقا بودند. وقتی آمد همه می‌خواستند چهره‌اش را ببینند. امام هم همان شب آمد برای مردم صحبت کرد. همه او را دیدند.»

فهمیدم که مردم جماران به امام «آقا» می‌گویند. حبیب‌الله که منزلش، محل فعلی بیمارستان جماران بوده است، می‌گوید: «حفاظت آقا تا یک ماه دست مردم جماران بود.» او خاطره جالبی تعریف می‌کند: «یک روز حاج آقامهدی (منظور آیت‌الله امام جمارانی است) آمد و از من ریش تراش خواست. گفت امام ریش تراش می‌خواهد. ماشین ریش تراش خود را دادم اما بعدها افسوس خوردم که چرا خودم نرفتم سر و صورت آقا را اصلاح کنم.»

اوستاکبر (بنای جماران و معمار خانه‌ای که امام در آن سکونت داشت) می‌گوید: «من



می توانم تا غروب برای شما خاطره بگویم.» می گوید: «من برای تعمیرات احتمالی خانه تا محل نشستن امام می رفتم. ایشان همیشه به ما سلام می کرد و خسته نباشید می گفت.»
حاج تیمور جوان است. به حضورش در مراسم تغسیل امام افتخار می کند. او می گوید:
«افتخار بزرگ من این است که امام را موقع ورود به جماران استقبال کردم و موقع ارتحال نیز او را بدرقه کردم.» می گوید: «آنچه ما اینجا دیدیم نمی توان به تصویر کشید. شور و اشتیاق مردم برای دیدن امام وصف نمی شود.»

حاج شاطر هشتاد ساله، نانوی جماران بوده است؛ از امام که می پرسم به پهنای صورت می خندد و می گوید: «من همه اش می رفتم حسینیه، حرفهای آقا را گوش می کردم. اما فقط یکبار به دستبوسش رفتم.» مکث می کند و می گوید: «خدا رحمتش کند، مرد خیلی با ابعثی بود. به جور عجیبی بود. به چهره اش نگاه می کردیم لذت می بردیم.»

حاج آقا میریان یک سال بعد از ورود امام به جماران آمده است. او هنوز در بیت امام خدمت می کند. داستان ورود امام به جماران را از او می پرسم: «امام قبل از انقلاب هر موقع می آمدند تهران می رفتند منزل آقای رسولی محلاتی در امامزاده قاسم. وقتی هم بعد از انقلاب از بیمارستان مرخص شدند به یک ساختمان سه طبقه در دربند رفتند اما آنجا را چون محله مرفه نشین محسوب می شد، نپسندیدند. نظرشان این بود که باید مثل مردم عادی در منطقه ای روستایی مانند امامزاده قاسم و در خانه ای مثل خانه آقای رسولی محلاتی زندگی کنند. یک شب حاج احمد آقا می آید منزل آقای امام جمارانی و همین جا را مناسب می بیند و با توافق وی، این خانه را به امام پیشنهاد می کنند.»

به گفته میریان، امام ورود به جماران را مشروط به موافقت و پذیرش خانم می کند: «خانم بروند ببینند اگر قبول کردند من حرفی ندارم.» خانم توسط سیداحمد آقا به جماران می آیند و خانه را می پسندند. به این ترتیب امام شبانه وارد جماران می شوند و با استقبال مردم جماران روبرو می شوند.

خانه امام در جماران اکنون توسط سازمان میراث فرهنگی به عنوان اثر ملی ثبت شده و در

اختیار مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) قرار دارد. این خانه از چهار قسمت تشکیل شده که در یک بخش آن خانم زندگی می‌کرد، در بخش دوم امام حضور داشت و در بخشی دیگر دیدارهای مردمی صورت می‌گرفت. بخش چهارم حسینیه معروف جماران است که تأسیس آن به سال ۱۳۳۲ برمی‌گردد و توسط سید ابراهیم جمارانی بنا نهاده شده است.

پیش از آنکه امام به جماران بیاید مردم جماران حسینیه خود را تخریب می‌کنند تا از نو بسازند ساختمان که به نیمه می‌رسد امام نیز می‌رسد و در همان روزهای اولیه ورود امام، ساختمان تکمیل می‌شود. امام به تجملات و زیباسازی ساختمان رضایت نمی‌دهد و حسینیه‌ای در اوج سادگی، محل آمد و شد بزرگان ایران و جهان می‌شود.

امروز جهانگردانی که به تهران می‌آیند برای بازدید از سه ساختمان معروف رهسپار شمال شهر می‌شوند، سه ساختمانی که متعلق به رهبران سده اخیر ایران است، کاخ سعدآباد، کاخ نیاوران و حسینیه جماران. آنان اوج شکوه و عظمت شاهانه را در دو عمارت اولی می‌بینند. در مقابل، در بازدید از ساختمان کوچک و ساده جماران، راهنماها بجای گچ‌کاری‌ها و شاهکارهای هنری، سطح رنگی سقف ساختمان را نشان می‌دهند و می‌گویند: «روزی ساختمان را از اینجا شروع کردند به رنگ آمیزی و امام فهمید و با عتاب جلوی او را گرفت که اگر با پول بیت‌المال این کار را می‌کنید نکنید و اگر با پول خودتان می‌کنید اسراف است.»

جماران اکنون قبله سیاستمداران ایران است آنگاه که فضا آشفته می‌شود و شاگردان خمینی کبیر، سر سوداگری را فراموش می‌کنند و سر از ناکجاآباد درمی‌آورند، پای در جماران می‌گذارند تا بدانند که پیر آنان چگونه و چسان زیست. تا یادشان باشد که اصول و فروع حکومت و قدرت آنان در کوچه پس کوچه‌های کوچک و تاریک جماران نگاشته شده و تا تاریخ هست جماران نیز هست و تاریخ جماران را فراموش نخواهد کرد همان طور که خمینی را نمی‌تواند فراموش کند.